www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/5946/61221?ParentID=82019

[پیام زن](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3992)، [آبان 1386، شماره 188](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/5946/0)

**نقش آفرینی بانوان در عرصه های تبلیغ دین**

**سید عباس رضوی**

|  |
| --- |
| رسالت تبلیغ دین همه گروندگان به اسلام را در بر می گیرد و همه مسلمانان از مرد و زن وظیفه دارند در حدّ توان و نیرو در دین، آگاه و فقیه شوند؛ اسلام و قرآن را بشناسند و تعالیم قرآن را به دیگران بشناسانند. نیز در تربیت دینی دیگران بکوشند.  خطاب «الذین یبلغون رسالات اللّه »، کریمه: «فلولا نفر من کل فرقة منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم»، سفارش: «و لتکن منکم امة یدعون إلی الخیر و یأمرون بالمعروف» و سفارش های دیگر قرآن در راستای آگاهی بخشی و انذار و بشارت و امر به معروف و نهی از منکر، ویژه مردان نیست بلکه همه امت و مؤمنان را دربرمی گیرد.  از آنجا که در گذشته مردان از امکانات آموزشی و تبلیغی بیشتری برخوردار بوده اند، غالبا در ادای این تکلیف الهی پیشگام تر بوده اند.  ولی باید توجه داشت بانوان از ظرفیت ها و توانایی های تعلیمی و تبلیغی ویژه ای برخوردارند که در مردان کمتر وجود دارد. این ویژگی ها بهره این گروه را در تبلیغ مکتب و تربیت دینی مردم، بالاتر برده است.  رسالت تبلیغ دین همه گروندگان به اسلام را در بر می گیرد و همه مسلمانان از مرد و زن  وظیفه دارند در حدّ توان و نیرو در دین، آگاه و فقیه شوند؛ اسلام و قرآن را بشناسند  و تعالیم قرآن را به دیگران بشناسانند. نیز در تربیت دینی دیگران بکوشند.  از آنجا که در گذشته مردان از امکانات آموزشی و تبلیغی بیشتری برخوردار بوده اند،  غالبا در ادای این تکلیف الهی پیشگام تر بوده اند.  ولی باید توجه داشت بانوان از ظرفیت ها و توانایی های تعلیمی و تبلیغی ویژه ای برخوردارند  که در مردان کمتر وجود دارد. این ویژگی ها بهره این گروه را  در تبلیغ مکتب و تربیت دینی مردم، بالاتر برده است.  عواطف سرشار، لطافت روح و روان، مهرورزی، احساسات بی شائبه همراه با پیوستگی و پیوند مداوم بانوان با کودکان و نوجوانان و نقش مادر، عاملی بی جایگزین در نفوذ و جذب و تبلیغ نسل نوخاسته است.  بانوان با داشتن نیروی خدادادی عواطف و محبت غریزی بیش از مردان در کودکان مؤثرند؛ چه انسان تنها اندیشه و خرد نیست تا فقط در برابر قدرت استدلال تسلیم گردد، بلکه آدمی مجموعه ای از عواطف و احساسات گوناگون است که بخشی از روح او را شکل می دهد. اگر این عواطف به شیوه درست و معقولی هدایت گردد، کاربرد و نفوذ پیام را دو چندان می سازد.  به تجربه، افرادی که دارای مادران متدین، هوشمند و با تدبیر اما پدران بی اعتنا و یا دین گریز بوده و هستند، گرایش مذهبی آنان بیشتر است از کسانی که به عکس مادران دین گریز و پدران متدین داشته اند.  حدیث نورانی پیامبر(ص): «الجنّة تحت اقدام الامهات؛ بهشت زیر پای مادران است»، اگر یک مفهومش آن باشد که خرسندی مادر موجب ورود فرزندان به بهشت است، پیام دیگر حدیث این است: آموزش های مادر به فرزند و تربیت درست دینی فرزندان، کلید بازگشایی درهای بهشت به روی فرزندان است و درس های درست زندگی و راه و رسم پیامبرانه مادر، راه استفاده از میوه های دلپذیر باغ های مینو را بر فرزندان هموار می سازد. رفتار محبت آمیز مادر پیش از آنکه در تربیت جسمی کودک نمود پیدا کند در تربیت روحی و مذهبی کودک خود را نشان می دهد.  **نگاهی به کارنامه تبلیغی بانوان صدر اسلام**  نگاهی به کارنامه آموزشی و تبلیغی بانوان در صدر اسلام و دنیای معاصر نشان می دهد: آنجا که زنان مؤمن، دین باور و زمان آشنا در عرصه تعلیم و تربیت و تبلیغ دین حضور فعال داشته اند، به رشد فرهنگ دینی جامعه کمک کرده و توانسته اند نسلی شاداب و فعال و رو به رشد را تربیت کنند و به اردوگاه حق یاری رسانند اما آنجا که عرصه به دست زنان ناپارسا و یا گمراه و خرافه پرداز افتاده، حرکت دینی جوانان و مردان رشد منفی داشته، دشواری های بزرگی در راه رشد و تکامل جامعه ایجاد شده است.  **عهد نبوی**  در دوره پیامبر، بانوان مسلمان در عرصه آموزش و تبلیغ پیام دین نقش سازنده و بی بدیلی ایفا کرده اند. زنان افزون بر اداره امور داخلی منزل، گرم نگاه داشتن کانون خانواده و آماده ساختن فرزندان و همسران برای یاری پیامبر، در یاد گرفتن معارف دین و رساندن آن به دیگران نیز فعال بوده اند.  نگاهی به فضای عمومی آن دوره، نشانگر حیات اجتماعی و علمی، جنب و جوش فرهنگی، و مسئولیت پذیری زنان است. زنان در تلاش بوده اند در حرکت های دینی پا به پای مردان حرکت کنند و سهم خود را در یاری به دین ادا کنند. از این رو، زنان پیاپی از پیامبر می پرسیده اند که وظیفه و رسالت ما چیست، چه کنیم که در ثواب ها و وظایف و پاداش کارهایی که مردان انجام می دهند شریک باشیم و دینِ خود را به اسلام و قرآن ادا کنیم! به ویژه زنان در حوزه یاد گرفتن معارف و مسائل دین و یاد دادن آن به دیگران حرکت های ثمربخشی انجام داده اند؛ راهی که تداوم آن در دوره پس از پیامبر کمرنگ شده است.  **خدیجه کبری(س)**  حضرت خدیجه پس از علی(ع) نخستین مسلمان بود. او آگاهانه و از سر تحقیق و کند و کاو به پیامبر ایمان آورد و زندگی خود را وقف حمایت از دین و تبلیغ پیام قرآن نمود.  به تجربه، افرادی که دارای مادران متدین، هوشمند و با تدبیر اما پدران بی اعتنا  و یا دین گریز بوده و هستند، گرایش مذهبی آنان بیشتر است از کسانی که  به عکس مادران دین گریز و پدران متدین داشته اند.  نگاهی به کارنامه آموزشی و تبلیغی بانوان در صدر اسلام و دنیای معاصر نشان می دهد:  آنجا که زنان مؤمن، دین باور و زمان آشنا در عرصه تعلیم و تربیت و تبلیغ دین  حضور فعال داشته اند، به رشد فرهنگ دینی جامعه کمک کرده و توانسته اند  نسلی شاداب و فعال و رو به رشد را تربیت کنند و به اردوگاه حق یاری رسانند.  خدیجه، یاور و همراه مداوم پیامبر در ابلاغ رسالت سنگین نبوت بود. او با صبر و حوصله و درایت و هوشمندی و مهرورزی دشواری های راه خدا را بر همسرش هموار می کرد، نیز خستگی های برخاسته از اذیت و آزارهای مشرکان قریش را از روحش می زدود و پشتوانه ای بزرگ برای تازه مسلمانان بود. محمد بن اسحاق در این باره نوشته است:  «کانت خدیجة اوّل من آمن باللّه و رسوله و صدقتْ بما جاء مِن اللّه . و وازرَتْهُ علی أمره. فخفّف اللّه بذالک عن رسول اللّه (ص) و کان لایسمع شیئا یکرهه، مِنْ ردٍّ علیه و تکذیب له، فیحزنه الا فرّج اللّه ذلک عن رسول اللّه (ص) بها.  إذا رجع الیها تثبتْه و تخفّف عنه و تهوّن علیه أمر الناس حتی ماتت رحمها اللّه ؛  خدیجه میان زنان نخستین کسی بود که به خدا و پیامبر ایمان آورد و آنچه حضرت از جانب خداوند آورده بود تصدیق کرد. او رسول خدا را در رسالت یاری کرد  و خداوند به وسیله خدیجه این راه دشوار را بر فرستاده اش هموار فرمود.  نسبت های ناروا و سخنان ناخوش که از مردم می شنید (مانند دروغ خواندن ادعاهای او ...) خداوند راه برون رفت از آن را به وسیله خدیجه بر او می گشود. وقتی پیامبر به سوی آن بانوی بزرگ، بازمی گشت، حضرت را به پایداری وامی داشت و با خوشرویی، اندوه را از دل پیامبر می زدود. چنان که دشواری های راه تبلیغ و ابلاغ رسالت را بر حضرت آسان می کرد. این شیوه او تا واپسین روز حیاتش بود.  افزون بر این یاوری ها در تبلیغ دین، خدیجه، همه دارائیش را در راه پیشبرد دعوت دینی انفاق کرد. اموالش را در اختیار پیامبر گذاشت تا آن را برای رفع مشکلات تازه مسلمانانِ مستضعف و فرودست و برای آزادی بردگان مسلمان شده به کار گیرد. پیامبر(ص) در پاسخ رشک یکی از همسرانش بر خدیجه فرمود:  «به خدا سوگند! خدا به جای خدیجه بهترش را به من نداده است. او در هنگامی که مردم مرا نپذیرفتند به من ایمان آورد. وقتی مردم مرا تکذیب کردند او مرا تصدیق کرد و آنگاه که مردم مرا محروم ساختند، با اموالش یاری داد.»  زنان تازه مسلمان در مکه با همه دشواری های راه و شکنجه های کفار بر ضد مسلمانان، برای آشنا شدن با قرآن و آموزش آن به دیگران، تلاش می کردند و در این راه تا پای جان پیش می رفتند.  **حضرت فاطمه زهرا در عرصه تبلیغ دین**  فاطمه زهرا، از نمونه های روشن بانوان موفق در حوزه تبلیغ دین بود. او در همه حال حرکات و سکنات پدر را زیر نظر داشت و آنها را به خاطر می سپرد. پیامبر هر روز با فرزند دیدار داشت و در نشست های ویژه و عمومی، معارف و ارزش های دینی را به فاطمه یاد می داد و قدم به قدم فرزند را برای به دوش گرفتن رسالتی بزرگ آماده می ساخت.  در دوره پیامبر، بانوان مسلمان در عرصه آموزش و تبلیغ پیام دین نقش سازنده  و بی بدیلی ایفا کرده اند. زنان افزون بر اداره امور داخلی منزل، گرم نگاه داشتن کانون خانواده  و آماده ساختن فرزندان و همسران برای یاری پیامبر،  در یاد گرفتن معارف دین و رساندن آن به دیگران نیز فعال بوده اند.  خدیجه، یاور و همراه مداوم پیامبر در ابلاغ رسالت سنگین نبوت بود.  او با صبر و حوصله و درایت و هوشمندی و مهرورزی دشواری های راه خدا را  بر همسرش هموار می کرد، نیز خستگی های برخاسته از اذیت و آزارهای مشرکان قریش را  از روحش می زدود و پشتوانه ای بزرگ برای تازه مسلمانان بود.  فاطمه(س)، به روزگار پدر و پس از او، مرجع دینی و علمی مردم بود. او دانش های قرآنی و سیرت پیامبر را برای مردم شرح می داد. به ویژه از لحظات حساس تاریخ اسلام و دوران مکه و ویژگی های سیرت پیامبر و روایاتی که به او آموزش داده بود، به فرزندان و دیگر مردم توشه های علمی می آموخت.  بخشی از علوم و دانش فاطمه که در مجموعه ای در اختیار امامان معصوم قرار گرفته، به مصحف فاطمه(ع) شهرت یافت. مصحف فاطمه، از منابع دانش و فتوای امامان بوده، به جز آن، فاطمه(س) به شبهه ها و پرسش های دینی بانوان پاسخ می داد.  بانوان مهاجر و انصار از بنی هاشم و دیگران برای فهم مسائل شرعی به ایشان مراجعه می کردند و آن بزرگوار با صبر و حوصله به پرسش های آنان پاسخ می گفت. امام حسن عسکری در این باره فرموده است:  زنی نزد فاطمه(س) آمد و گفت: مادرم زنی ناتوان است و در نمازش  مشکل دارد. مرا فرستاده تا مسائلی را از تو بپرسم.  فاطمه، به پرسش های پرسنده پاسخ داد. زن، مسائلی دیگر پرسید و فاطمه پاسخ داد. سؤال و جواب ها بسیار شد. زن، از پرسش های پیاپی خود شرمنده گشت و ابراز داشت: دختر پیامبر! تو را به رنج افکندم!  فاطمه پاسخ داد: مشکل خود را بپرس. اگر کسی متعهد گردد باری سنگین را در روز به اجرت صدهزار دینار به مکان بلندی ببرد، بر او دشواراست؟ زن گفت: نه.  فاطمه گفت: به جای پاسخ به هر مسئله، بیش از اندازه بین زمین و عرش (از خداوند) لؤلؤ (گوهر قیمتی) دریافت می کنم. پس شایسته است این کار بر من مشکل نباشد. از پدرم شنیدم: «علمای شیعه ما در حالی به محشر وارد می شوند که به هر یک از آنان به مقدار دانش و تلاش شان در جهت هدایت بندگان خدا هزار خلعت از کرامت و حلّه نور می پوشانند. سپس منادی از سوی پروردگار ندا می دهد: ای کسانی که  ایتام آل محمد را سرپرستی کردید و آنان را به هنگام جدایی شان از پدر خود ـ ائمه ـ نگهداری کردید! اینان، شاگردان شمایند و یتیم هایی که آنان را سرپرستی و اداره کردید. به آنان خلعت دانش بپوشانید.  پس علما بر دست پروردگان خود به میزانی استفاده شان از دانش علما خلعت می پوشانند. چه بسا در میان یتیمان کسانی اند که صدهزار خلعت به او عطا می شود.  خدیجه میان زنان نخستین کسی بود که به خدا و پیامبر ایمان آورد  و آنچه حضرت از جانب خداوند آورده بود تصدیق کرد.  او رسول خدا را در رسالت یاری کرد و خداوند به وسیله خدیجه این راه دشوار را  بر فرستاده اش هموار فرمود.  در مقابل، شاگردان نیز به استادان خود خلعت می پوشانند. سپس خداوند عزوجل می فرماید: خلعت عالمان و آموزگاران را دو برابر کنید و نعمت را بر آنان کامل گردانید. پس دوچندان دیگر به آنان خلعت داده و حلّه پوشانده می شود. همچنین بر کسانی که پس از آنان آمده و به شاگردان خود خلعت داده اند.  فاطمه(س)، افزود: ای بنده خدا! یک رشته از این خلعت ها به هزار هزار مرتبه برتر است از آنچه آفتاب بر آن تابیده؛  چه نعمت های دنیا با مرارت و ناصافی آمیخته است.»  امام حسن عسکری(ع) فرمود: دو زن در مسئله ای از امور دین اختلاف داشته و ماجرا را برای داوری نزد فاطمه آوردند. یکی معاند و بدخواه بود و دیگری مؤمن (دوست اهل بیت) فاطمه به سود زن مؤمنه حجت و برهان آورد. زن بر رقیب خود پیروز آمد. زن مؤمن بسیار خوشحال شد. فاطمه فرمود: «خرسندی ملائکه از  خرسندی تو بیشتر است و حزن و ناراحتی شیطان از شکست زن بدخواه از ناخرسندی او افزون تر.»  خداوند متعال فرمود: عطا دهید به فاطمه که راه گفتگو و پیروزی آن زن ناتوان مؤمن را گشوده، هزار هزار برابر آنچه برایش آماده کرده بودم. این را سنت و دستوری دائمی برای هر کس قرار بدهید که ناتوانان مؤمن را در احتجاج بر معاندان یاری می رساند، هزار هزار برابر آنچه برای او در بهشت آماده شده است.  سخنان و خطبه های زهرا(س) در جمع مهاجران و انصار در مسجد پیامبر در ماجرای فدک، دائرة المعارفی از علوم دین و حقایق است و در آن باورها، ارزش ها، راه و رسم اجتماعی و سیاسی اسلام ترسیم شده است. خطبه ای که بلاغت و فصاحت و ژرفای معانی آن، خطبه های نهج البلاغه را تداعی می کند که عمل مسلمانان بر آن، راه هدایت را به روی همگان گشوده جامعه اسلامی را از سرگشتگی و گمراهی به ساحل نجات می رساند.  افزون بر این یاوری ها در تبلیغ دین، خدیجه، همه دارائیش را  در راه پیشبرد دعوت دینی انفاق کرد. اموالش را در اختیار پیامبر گذاشت  تا آن را برای رفع مشکلات تازه مسلمانانِ مستضعف و فرودست  و برای آزادی بردگان مسلمان شده به کار گیرد.  پیامبر(ص) در پاسخ رشک یکی از همسرانش بر خدیجه فرمود:  به خدا سوگند! خدا به جای خدیجه بهترش را به من نداده است.  او در هنگامی که مردم مرا نپذیرفتند به من ایمان آورد. وقتی مردم مرا تکذیب کردند  او مرا تصدیق کرد و آنگاه که مردم مرا محروم ساختند، با اموالش یاری داد.  در بیماری فاطمه زهرا(س) که در پی آن درگذشت زنان مهاجر و انصار به عیادت آن بانو رفتند. فاطمه به طور مشروح جایگاه امامت را برای زنان شرح داد و پیامدهای ناگواری را که در پی کنار زدن امیر مؤمنان از جانشینی پیامبر و رهبری امت، دامنگیر جامعه اسلامی خواهد شد، شرح داد. نیز آینده ای تاریک و فتنه های هولناکی را برای امت به دور از امام راستین پیش بینی کرد. «سوید بن غفله» می گوید: زنان مهاجر و انصار، گفته های فاطمه را برای همسران خود باز گفتند و در واقع آنان را تشویق کردند برای بازگرداندن حق به جایگاه اصلی خود تلاش ورزند. گروهی از مهاجرین و انصار برای عذرخواهی نزد فاطمه آمدند و گفتند: ای سرور زنان، اگر ابوالحسن (علی) این گفته ها را پیش از استوار شدن کار و بیعت ما می گفت، با دیگری بیعت نمی کردیم. فاطمه فرمود: از من دور شوید. عذر شما پذیرفته نیست!  **دعوت شوهر به اسلام**  ام سلیم از زنان بزرگوار صحابی بود. از پیامبر روایت کرده و در باره اش نوشته اند: «و کانت من العقلاء النساء؛ از زنان خردمند بود.» وی نخست همسر نظر بن مالک بود. ام سلیم، همراه قبیله اش مسلمان شد. شوهرش را به اسلام دعوت کرد ولی او خشمناک شد و به شام رفت و در آنجا درگذشت.  ام سلیم، سپس به همسری ابوطلحه انصاری درآمد. ابوطلحه هنوز مشرک بود که از ام سلیم خواستگاری کرد. زن گفت: من مسلمانم و تو مشرک. اگر مسلمان شوی، مهرم بر تو حلال است و چیزی از تو نمی خواهم. در گزارش دیگر آمده است: اباطلحه از ام سلیم خواستگاری کرد. او در پاسخ گفت: ای ابوطلحه! آیا نمی دانی درختی که او را می پرستی از زمین روئیده شده است. گفت: بلی. گفت: شرم نمی کنی درختی را می پرستی. اگر مسلمان شوی، مهر من، اسلام تو خواهد بود.  ام سلیم با هوشمندی و درایت ابوطلحه را مسلمان کرد. از این خانواده فرزندان مسلمان و برومند به وجود آمدند.  فاطمه(س)، به روزگار پدر و پس از او، مرجع دینی و علمی مردم بود.  او دانش های قرآنی و سیرت پیامبر را برای مردم شرح می داد.  به ویژه از لحظات حساس تاریخ اسلام و دوران مکه و ویژگی های سیرت پیامبر و روایاتی که  به او آموزش داده بود، به فرزندان و دیگر مردم توشه های علمی می آموخت.  بانوان مهاجر و انصار از بنی هاشم و دیگران برای فهم مسائل شرعی به ایشان  مراجعه می کردند و آن بزرگوار با صبر و حوصله به پرسش های آنان پاسخ می گفت.  **راهنمای سلمان**  روایت شده کنیزک اصفهانی «امة الفارسیه» که به مدینه رفته، پیش از سلمان فارسی مسلمان شده بود، در مسلمان شدن سلمان بی تأثیر نبود. همو بود که سلمان را به سوی پیامبر راهنمایی کرد و سلمان ایمان آورد.  همچنین خواهر عدی بن حاتم طائی برادر را تشویق کرد دست از فرار و سرگردانی بردارد و نزد پیامبر رفته و با او بیعت کند. چه رفتار نیک پیامبر با اسیران قبیله «طی» و بخشیدن آنها، افراد قبیله را به اسلام متمایل کرده بود. عدی بن حاتم به سفارش خواهر راهی مدینه شد و پس از مطالعه در سیرت و سخنان پیامبر مسلمان شد. به برکت مسلمان شدن او شمار بسیاری از قبیله «طی» مسلمان شدند.  **بانوان راوی حدیث**  گروه بزرگی از بانوان در روزگار پیامبر (و سپس در دوره امامان) هماره با شنیدن خطبه های نمازجمعه و دیگر آموزه های تعلیمی و تبلیغی پیامبر، موضوعات تفسیری و مسائل مربوط به عقاید، اخلاق و احکام دین را یاد می گرفتند و آن را به دیگران منتقل می ساختند؛ چه پیامبر آموزش دانش را بر هر زن و مرد مسلمان واجب می شمرد. نیز مسلمانان را به رساندن پیام دین به دیگران تشویق می فرمود:  «عن ام کثیر بنت یزید الانصاریه قالت: دخلتُ انا و اُختی علی النبی(ص) فقلتُ له: إنّ اُختی ترید أنْ تسألک عن شی ء و هی تستحی، قال: فلتسأل فَإنّ طلب العلم فریضة. قال: فقلتُ له أو قالتْ له اختی: اِنّ لی ابنا یلعب بالحمام. قال: اما انه لعبة المنافقین؛  ام کثیر گوید: با خواهرم نزد پیامبر رفتم، گفتم: خواهرم می خواهد مسئله ای بپرسد، ولی شرم دارد! فرمود: بپرسد که طلب دانش واجب است. من یا خواهرم پرسیدیم: فرزندی دارم که کبوترپرانی می کند، پاسخ داد: این بازی منافقان است.  بخش زیادی از شأن نزول آیات مربوط به بانوان، احکام زنان و بخشی از روایات دیگر از پیامبر، توسط راویان زن گزارش شده است، مانند: آیات ارث، سوره نساء، که در ارتباط با پرسش ام کجه از ارث دختران، نازل شد. و پیامبر در این ارتباط ده ها مسئله مربوط به ارث را شرح کرد. همچنین آیات مربوط به روابط خانوادگی با کفار در سوره ممتحنه و شأن نزول آیات سوره دهر، در باره اهل بیت «و یوفون بالنذر» از طریق فضّه خدمتکار فاطمه زهرا به ما رسیده، گزارش شأن نزول آیه تطهیر در سوره احزاب از طریق ام سلمه و عایشه در باره اهل بیت، روایت شده است و ... .  در منابع روایی شیعه و سنی، صدها روایت از راویان زن در دست است. مجموعه این نقل ها دائرة المعارفی از تفسیر و عقاید و اخلاق و احکام را تشکیل می دهد.  **اسماء زن سخنور**  اسماء بنت یزید بن سکن، که به سخنگوی زنان مشهور بود: «کان یقال لها خطیبة النساء».  اسماء ده ها حدیث در موضوعات گوناگون از پیامبر روایت کرده است، از جمله روزی اسماء، خدمت پیامبر رسید. رسول خدا میان اصحاب بود. گفت: پدر و مادرم قربانت! من نماینده زنان هستم.  سخنان و خطبه های زهرا(س) در جمع مهاجران و انصار در مسجد پیامبر در ماجرای فدک، دائرة المعارفی از علوم دین و حقایق است و در آن باورها، ارزش ها، راه و رسم اجتماعی و سیاسی اسلام ترسیم شده است. خطبه ای که بلاغت و فصاحت و ژرفای معانی آن، خطبه های نهج البلاغه را تداعی می کند که عمل مسلمانان بر آن، راه هدایت را به روی همگان گشوده جامعه اسلامی را از سرگشتگی و گمراهی به ساحل نجات می رساند.  زنان می گوییم خداوند تو را هم بر مردان مبعوث فرمود و هم بر زنان. تو تنها پیامبر مردان نیستی. ما زنان نیز به تو و خدای تو ایمان آورده ایم. ما زنان در خانه های خویش نشسته، نیاز شما مردان را برمی آوریم. فرزندان شما را می پرورانیم. اما می بینیم وظایف مقدس و کارهای بزرگ و ارجمند و پر اجر و با ارزش به مردان اختصاص یافته و ما محرومیم! مردانند که توفیق جمعه و جماعت دارند. به عیادت بیماران می روند. در تشییع جنازه شرکت می کنند. حجّ مکرر انجام می دهند و از همه بالاتر توفیق جهاد در راه خدا دارند. وقتی یک مرد به حج یا جهاد می رود ما زنان هستیم که اموال شما را نگهداری می کنیم. برای جامه های شما نخ ریسی می کنیم. فرزندان شما را تربیت می کنیم. چگونه است که در زحمت ها شریک شما مردان هستیم اما در وظایف بزرگ و مقدس و کارهای پر اجر و پاداش شرکت نداریم و از همه آنها محرومیم.  رسول اکرم(ص) نگاهی به اصحاب کرد و فرمود:  آیا تاکنون از زنی سخنی به این خوبی و منطقی بدین رسایی، در امور دین شنیده اید؟  یکی از اصحاب گفت: خیال نمی کنم این سخن از خود این زن باشد.  رسول خدا(ص) به جواب این مرد اعتنایی نکرد. سپس رو به اسماء کرد و فرمود:  ای زن آنچه را می گویم درست فهم کن و به زنانی که تو را فرستاده اند نیز بفهمان. پنداشتی هر که مرد شد به واسطه این کارها که برشمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می یابد و زنان محرومند؟  خیر. چنین نیست. زن، اگر خوب خانه داری و شوهرداری کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می دهند.  «اسماء» که زنی با ایمان بود و تقاضای او و زنان همفکرش از عمق ایمان شان برمی خاست وقتی آن جواب را شنید چهره اش از خوشحالی برافروخته شد و با خوشحالی به سوی همفکرانش برگشت.  ام عطیه انصاریه از زنان صحابی و راوی حدیث است. شیخ طوسی او را از صحابه پیامبر شمرده و گفته است: ام عطیه با پیامبر بیعت کرد و روایاتی از آن حضرت دارد. ابن سعد در طبقات گفته است: صحابه مسائل غسل اموات را از او یاد گرفتند. وی در غزوات برای مداوای زخمیان همراه پیامبر می رفت. همو گفته: در هفت غزوه همراه پیامبر بودم. مداوای مجروحان کرده و برایشان غذا می پختم. چون زینب دختر پیامبر از دنیا رفت، مرا یاد داد که او را چگونه غسل دهم. فرمود پس از غسل مرا خبر کن. چون به او خبر دادم حضرت آمد و شیوه کفن کردن مردگان را به من یاد داد. و سپس صحابه، احکام غسل و کفن اموات را از او یاد گرفتند.  ام اسلم از زنان مؤمن و آگاه زمان پیامبر بود. وی آگاهی های سودمندی از معارف اسلامی به ویژه در موضوع امامت تحصیل کرده، آن را به دیگران منتقل می ساخت. به برکت آگاهی بخشی های او بسیاری به راه اهل بیت هدایت شدند.  کلینی از امامان نقل کرده:  ام اسلم روزی نزد پیامبر آمد. حضرت در منزل ام سلمه بود. از پیامبر سراغ  در بیماری فاطمه زهرا(س) که در پی آن درگذشت زنان مهاجر و انصار به عیادت آن بانو رفتند.  فاطمه به طور مشروح جایگاه امامت را برای زنان شرح داد  و پیامدهای ناگواری را که در پی کنار زدن امیر مؤمنان از جانشینی پیامبر و رهبری امت،  دامنگیر جامعه اسلامی خواهد شد، شرح داد. نیز آینده ای تاریک و فتنه های هولناکی را  برای امت به دور از امام راستین پیش بینی کرد.  گرفت که ام سلمه پاسخ داد در پی کاری رفته. پس از بازگشت پیامبر به او گفت: کتاب های پیشین را مطالعه کردم و احوال پیامبران و اوصیای (جانشینان) آنان را می دانم. موسی یک وصی در زندگی و یکی پس از مرگ داشت و نیز عیسی؛ وصی تو ای رسول خدا کیست؟  پیامبر آیتی (معجزه ای) به او نشان داد و گفت: «هر کس پس از من بر انجام این معجزه توانا باشد او جانشین من است.»  ام اسلم نشانه جانشینی پیامبر را در علی(ع) امام حسن و امام حسین و امام سجاد دید. در روزگار امام سجاد درگذشت.  «زینب العطاره» زن عطر فروش در زمان پیامبر به سرای زنان ایشان برای عطر فروشی می آمد و از پیامبر حدیث می شنید و به دیگران منتقل می کرد، از جمله حدیث مفصلی در باره آفرینش که در ضمن آن چندین آیه در باره آفرینش زمین و آسمان تفسیر شده است.  فاطمه بنت حبیش، که گزارشی از او از پیامبر در باره احکام حیض در دست است.  **ام ایمن، خدمتکار پیامبر(ص):**  از آغاز عمر پیامبر تا پایان همراه حضرت بود و برای پیامبر، مادر شمرده می شد. حضرت زینب کبری به نقل از ام ایمن حدیث معروف پیامبر در باره سرنوشت اهل بیت و جریان کربلا را روایت کرده است. ام ایمن از دوستداران اهل بیت بود و در ماجرای فدک به سود فاطمه زهرا گواهی داد.  نسیبه از دیگر بانوان مبلّغ و فعالی بود که به پیامبر کمک می کرد. او سخنان و سیرت پیامبر را در جنگ و صلح به خاطر سپرده، پس از حضرت رویدادهای صدر اسلام، به ویژه حوادث نبرد اُحد را برای زنانی که آن روزگار را ندیده بودند گزارش می کرد.  «ام رعله قشیریه»، از دیگر بانوان هوشمند و سخنور بود: «کانت امراة ذات لسان و فصاحه». وی هماره نزد پیامبر می آمد و از حضرت مسئله می پرسید و برای دیگران نقل می کرد. از جمله روزی از پیامبر در باره وظایف بانوان و زنان پرسید، فرمود: «بر شما باد به استغفار در شب و روز و چشم از نامحرمان پوشیدن و آهسته سخن گفتن ...»  **رویارویی بانوان با تبلیغات روانی دشمن**  در صدر اسلام، دشمنان دین و مخالفان اهل بیت، برای مبارزه با اسلام، افزون بر استفاده ابزاری از زنان، از زنان شاعره و سخنور نیز کمک می گرفتند.  شاعران و هجوسرایان و رجزسرایان با برشمردن افتخارات جاهلی، زنده کردن کینه های جاهلی و سرودن اشعار هیجان انگیز، احساسات کافران را بر ضد مسلمانان تحریک می کردند. به ویژه پس از غزوه خونین بدر، کفار قریش برای گرفتن انتقام بدر از مسلمانان از ابزار هنر شعر بسیار استفاده بردند.  عصماء دختر مروان، همسر یزید بن زید از این کسان بود: «کانت تؤذی النبی(ص) و تعیب الاسلام و تحرضّ علی النبی(ص) و قالت شعرا؛  عصماء هماره پیامبر را آزار می داد و بر اسلام خرده می گرفت و مردم را علیه پیامبر می شوراند و در این باره شعر می گفت.»  عصماء در اشعار خود کینه های خفته کفار قریش و یهودیان علیه پیامبر را زنده می کرد و آنان را دعوت می نمود با اسلام مبارزه کنند.  «أبی عفک»، از پیرمردان حسود و کینه ورز مدینه بود که کفار و یهودیان مدینه را علیه اسلام تحریک می کرد: «کان یحرض علی عداوة النبی(ص) و لم یدخل الاسلام. فلما خرج رسول اللّه (ص) الی بدر رجع و قد ظفره اللّه بما ظفره فحسده و بغی و قال؛  «ابوعفک» مردم را بر دشمنی پیامبر تحریک می کرد و مسلمان نشد چون پیامبر از نبرد بدر پیروزمندانه بازگشت بر پیامبر حسد ورزید و طغیان کرد و در این باره اشعاری سرود.»  گروهی از مهاجرین و انصار برای عذرخواهی نزد فاطمه آمدند و گفتند: ای سرور زنان، اگر ابوالحسن (علی) این گفته ها را پیش از استوار شدن کار و بیعت ما می گفت، با دیگری بیعت نمی کردیم. فاطمه فرمود: از من دور شوید. عذر شما پذیرفته نیست!  ام جمیله همسر ابولهب در مکه نیز مردم را علیه مسلمانان می شوراند و مسلمانان را هجو می گفت.  این روند در جریان نبرد احد به اوج رسید. کفار قریش، در احد، زنان خویش را برای مبارزه با اسلام به صحنه نبرد آورده بودند تا با سرودن اشعار هیجان انگیز و برانگیختن حس غرور و نفرت، مردان را در مبارزه با اسلام یاری دهند.  هند جگرخوار همسر ابوسفیان سرکرده زنان بود. کنیزان هند ترانه های ویژه ای را با آهنگ برای سربازان خود می خواندند. زنان قریش بیش از آغاز نبرد، پیشاپیش مردان دف می زدند و سپس کنار می رفتند. هر گاه کسی قصد فرار داشت او را نکوهش کرده و با برانگیختن کینه های خفته او را تشویق می کردند با پیامبر بجنگد. برخی از زنان کافر چون عمره دختر علقمه در نبرد شرکت کردند!  روند مبارزه تبلیغاتی کفار علیه اسلام پس از احد نیز ادامه یافت. ابن اخطل کنیزکان را یاد داد با زبان شعر و موسیقی، مردم را به اسلام و پیامبر بدبین کنند!  در برابر موج تبلیغاتی دشمن علیه اسلام، زنان مسلمان بیکار ننشستند. بانوان هنرمند و اسلام شناس افزون بر پشتیبانی اقتصادی و خدماتی از سربازان اسلام، با حفظ حیا و پاکدامنی، از زبان ادب و شعر برای پاسخگویی به  از آغاز عمر پیامبر تا پایان همراه حضرت بود و برای پیامبر، مادر شمرده می شد. حضرت زینب کبری به نقل از ام ایمن حدیث معروف پیامبر در باره سرنوشت اهل بیت و جریان کربلا را روایت کرده است. ام ایمن از دوستداران اهل بیت بود و در ماجرای فدک به سود فاطمه زهرا گواهی داد.  شبهه افکنی های سخنوران دشمن علیه پیامبر استفاده کردند. زنان شاعر همچون مردان سخنور مسلمان با منطق و استدلال، به خرده گیری های کفار قریش بر ضد اسلام پاسخ می دادند، نیز قریش را برای خرافه گرایی و کرنش در برابر بت های بی جان و باور به چیزهای موهوم سرزنش می کردند.  اروی، بنت عبدالمطلب، عمه پیامبر از بانوان هوشمند و زمان شناس مسلمان بود. او در خانه عبدالمطلب بزرگ شده بود و نسبت به زمان جاهلیت و نیز تعالیم اسلام آگاهی های سودمندی داشت.  اروی، در مکه به اسلام گروید و فرزندان خود را تشویق می کرد پیامبر را یاری دهند. خود نیز با زبان منطق و استدلال، زیبایی های اسلام را برای زنان و مردان قریش شرح داده، زشتی های فرهنگ جاهلیت و بت پرستی را برملا می کرد، چنان که به دروغ زنی های ابوجهل و ابولهب و همسرش ام جمیله در حق مسلمانان پاسخ می گفت:  «ثم کانت بعد تعضد النبی بلسانها و تحضّ ابنها علی نصرته و القیام بامره؛  پس از اسلام پیامبر را با زبان یاری می رساند و فرزندش را بر یاری اسلام و کمک به رسالت پیامبر تشویق می کرد.»  اروی روزی فرزندش را جهت مبارزه با ابوجهل سخت ستود و برادرش ابولهب را اندرز داد با کافران هم ردیف نشود و از پیامبر در برابر آزارهای قریش دفاع کند. اروی همراه مسلمانان به مدینه هجرت کرد. او پس از درگذشت پیامبر، سروده های زیبایی در رثای حضرت سرود، از جمله:  الا یا رسول اللّه کنت أنت رجاءنا  و کنت بنا برّا و لم تک جافیا  کان علی قلبی لذکر محمد  و ما جمعت بعد النبی المجاویا  ای رسول خدا! تو امید ما بودی.  تو یاور ما بودی و دست دهنده داشتی.  جز یاد محمد در دلم چیزی دیگر را قرار ندادم.  زبان اروی پس از پیامبر نیز در خدمت اهل بیت و یاری علی(ع) از کار نمی ایستاد. چنان که گفتیم در برابر یاوه گویی های عصما بنت مروان و ابوعفک، پاسخ های مناسبی از سوی مبلغان مسلمان، از جمله بانوان شاعر داده شد. نهدیه، از زنان مسلمان مدینه، در پاسخ ابوعفک سروده های نغزی را منتشر ساخت که آغاز آن چنین است:  تکذب دین اللّه و المرء احمد  لحمد الذی امناک اذ بئس مایمنی ...  ابن هشام این اشعار را به امامه ربذیه نسبت داده است.  در نبرد احد زنان مسلمان مدینه برای کمک به پیامبر با همه توان شرکت کردند. برخی از زنان برای مداوای زخمیان و آب دادن به تشنگان همراه پیامبر به احد رفتند. برخی مانند نسیبه با شجاعت با کافران جنگیدند و از پیامبر دفاع کردند.  بانوان مدینه فرزندان و همسران و برادران خود را برای کمک به پیامبر به جبهه فرستادند و آنان را تشویق می کردند به اسلام یاری رسانند. بانوان دین پرور، افراد ترسو و عافیت طلب را نکوهش کرده و از به جا ماندگان از نبرد عیب می گرفتند. چنان که زنان بنی ظفر بر قُزمان که از جنگ احد تخلف کرده بود خرده گرفتند و گفتند:  مردان به کارزار رفتند و تو جا ماندی؟! قزمان!از کار خود شرم نداری؟! مردان قبیله ات رفتند و تو ماندی.  بانوان مسلمان به سروده های فتنه گرایانه هند جگرخوار پاسخ دادند. در برابر سروده هند که به کشتن حمزه افتخار می کرد و در حالی که روی درختی بالا رفته و با صدای بلند فریاد می زد:  نحن جزیناکم بیوم بدرٍ  والحرب بعد الحرب ذات سعر  هند، دختر ابانة بن قرشی از زنان پیشگام در اسلام، در پاسخ هند بنت عتبه اشعاری سرود از جمله:  جزیت فی بدر و غیر بدر  یا بنت وقاع عظیم الکفر  ضحک اللّه غداة الفجر  بالهاشمین الطوال الزهر  بکل قطاع حسام یفری  حمزة لیث و علی صقری  ای دختر سردسته کافران! پاسخ خود را در بدر و غیر بدر دریافتی. خداوند با شمشیر بلند بالای درخشان هاشمیان، در پگاهان لب های مؤمنان را خندان کرد.  حمزه شیر است و علی باز شکاری!  **بزرگداشت شهیدان اسلام**  بانوان مدینه از میراث شهیدان پاسداری کرده، یاد و خاطره افتخارآفرین جانبازان راه خدا را بزرگ داشتند و نگذاشتند که یاد و افتخارات آنان در تاریخ کم رنگ شود. زنان انصار به ویژه زنان قبیله بنی الاشهل که بیشترین کشتگان از آنان بود به سفارش پیامبر نخست به خانه حمزه سیدالشهدا رفتند. در آنجا ضمن همدردی با خاندان پیامبر در عزای آن شهید غریب، از ایثارها و شجاعت های شهیدان یاد کردند.  در این هنگام کمتر خانه ای در مدینه بود که از آن بانگ ناله و سوگواری بلند نشود جز از خانه حمزه. پیغمبر اشک در چشمانش بگشت و فرمود: «و لاکن حمزة لابواکی له الیوم؛ شهدای احد گریه کننده دارند اما حمزه گریه کننده امروز ندارد.»! سعد بن معاذ و اسید بن خضیر به زنان انصار گفتند: دیگر برکشتگان خود نگریید. نخست بروید نزد حضرت فاطمه(ع) و او را در گریستن بر حمزه همراهی کنید آنگاه بر کشتگان خود گریه کنید.  زنان چنان کردند. چون صدای گریه و شیون ایشان را پیغمبر شنید فرمود: «برگردید، خدا شما را رحمت کند. برابری کردید.» از آن روز مقرر شد هر مصیبتی بر اهل مدینه واقع شود اوّل بر حمزه نوحه کنند، آنگاه بر خود.  **زیارت شهیدان**  بانوان برای دیدار با شهیدان و تجدید خاطره با آنان هماره به زیارت اُحد می رفتند و با زیارت ارواح پاک شان، با آنان تجدید دیدار کرده و ضمن طلب شفاعت از آنان متعهد می شدند راهشان را ادامه دهند. این کار بیشترین تأثیر را در نهادینه کردن دعوت اسلامی برای نسل آن روز و پی آمدگان داشته و دارد. فاطمه زهرا به همراه عمه های پیامبر، عاتکه و صفیه، هماره به زیارت شهدای احد می رفت:  «کانت فاطمه بنت رسول اللّه تاتیهم بین الیومین و الثلاثه فتبکی عندهم و تدعوا؛  فاطمه دو روز در میان و یا سه روز یک بار به شهدای احد می رفت و نزد آنان گریه می کرد و دعا می نمود.»  ام سلمه، همسر پیامبر نیز هماره به اُحد می رفت. بر آنان سلام می کرد و گاه یک روز در آنجا می ماند و می گفت: «هر کس به آنان سلام کند، تا روز قیامت، پاسخ می دهند.» فاطمه خزائیه از زوار اُحد ادعا می کرد که پاسخ سلام خود را از شهیدان احد شنیده است.  پیامبر(ص) سفارش می کرد به زیارت شهدای احد بروید. به آنان سلام کنید. هر کس تا روز قیامت بر آنان سلام کند پاسخ می گویند.  روایت شده کنیزک اصفهانی «امة الفارسیه» که به مدینه رفته، پیش از سلمان فارسی مسلمان شده بود، در مسلمان شدن سلمان بی تأثیر نبود. همو بود که سلمان را به سوی پیامبر راهنمایی کرد و سلمان ایمان آورد.  همچنین خواهر عدی بن حاتم طائی برادر را تشویق کرد دست از فرار و سرگردانی بردارد و نزد پیامبر رفته و با او بیعت کند. چه رفتار نیک پیامبر با اسیران قبیله «طی» و بخشیدن آنها، افراد قبیله را به اسلام متمایل کرده بود. عدی بن حاتم به سفارش خواهر راهی مدینه شد و پس از مطالعه در سیرت و سخنان پیامبر مسلمان شد. به برکت مسلمان شدن او شمار بسیاری از قبیله «طی» مسلمان شدند.  ام کثیر گوید: با خواهرم نزد پیامبر رفتم، گفتم: خواهرم می خواهد مسئله ای بپرسد، ولی شرم دارد! فرمود: بپرسد که طلب دانش واجب است. من یا خواهرم پرسیدیم: فرزندی دارم که کبوترپرانی می کند، پاسخ داد: این بازی منافقان است.  رسول اکرم(ص) نگاهی به اصحاب کرد و فرمود:  آیا تاکنون از زنی سخنی به این خوبی و منطقی بدین رسایی، در امور دین شنیده اید؟  یکی از اصحاب گفت: خیال نمی کنم این سخن از خود این زن باشد.  رسول خدا(ص) به جواب این مرد اعتنایی نکرد. سپس رو به اسماء کرد و فرمود:  ای زن آنچه را می گویم درست فهم کن و به زنانی که تو را فرستاده اند نیز بفهمان. پنداشتی هر که مرد شد به واسطه این کارها که برشمردی توفیق اجر و پاداش و فضیلت را می یابد و زنان محرومند؟  خیر. چنین نیست. زن، اگر خوب خانه داری و شوهرداری کند، نگذارد محیط پاک خانه با غبار کدورت آلوده شود، اجر و پاداش و فضیلت و توفیقش معادل است با همه آن کارها که مردان انجام می دهند.  در برابر موج تبلیغاتی دشمن علیه اسلام، زنان مسلمان بیکار ننشستند. بانوان هنرمند و اسلام شناس افزون بر پشتیبانی اقتصادی و خدماتی از سربازان اسلام، با حفظ حیا و پاکدامنی، از زبان ادب و شعر برای پاسخگویی به شبهه افکنی های سخنوران دشمن علیه پیامبر استفاده کردند. زنان شاعر همچون مردان سخنور مسلمان با منطق و استدلال، به خرده گیری های کفار قریش بر ضد اسلام پاسخ می دادند، نیز قریش را برای خرافه گرایی و کرنش در برابر بت های بی جان و باور به چیزهای موهوم سرزنش می کردند.  بانوان مدینه فرزندان و همسران و برادران خود را برای کمک به پیامبر به جبهه فرستادند و آنان را تشویق می کردند به اسلام یاری رسانند. بانوان دین پرور، افراد ترسو و عافیت طلب را نکوهش کرده و از به جا ماندگان از نبرد عیب می گرفتند. چنان که زنان بنی ظفر بر قُزمان که از جنگ احد تخلف کرده بود خرده گرفتند و گفتند:  مردان به کارزار رفتند و تو جا ماندی؟! قزمان!از کار خود شرم نداری؟! مردان قبیله ات رفتند و تو ماندی.  بانوان مدینه از میراث شهیدان پاسداری کرده، یاد و خاطره افتخارآفرین جانبازان راه خدا را بزرگ داشتند و نگذاشتند که یاد و افتخارات آنان در تاریخ کم رنگ شود. زنان انصار به ویژه زنان قبیله بنی الاشهل که بیشترین کشتگان از آنان بود به سفارش پیامبر نخست به خانه حمزه سیدالشهدا رفتند. در آنجا ضمن همدردی با خاندان پیامبر در عزای آن شهید غریب، از ایثارها و شجاعت های شهیدان یاد کردند. |